

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُقْدَةَ

مَنْ لِي سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!

او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چی (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي"

اپریل 2022

شعبان/رمضان

شماره دو صد و نود پنجم

تغییر دعوت یا خطاب دینی، به تغییر زمان و مکان و عرف و حال اولویت بیشتر را نسبت به فتوا دارد. آنچه برای مسلمانان گفته میشود برای غیر مسلمانان گفته نمی شود.

آنچه برای مسلمان جدید گفته میشود برای مسلمان اصیل گفته نمیشود.

آنچه برای مسلمان مستقیم و پایند گفته میشود، برای مسلمان گناهکار و عاصی به خداوند گفته نمی شود.

آنچه برای مسلمان در کشور اسلامی گفته می شود، برای مسلمان در جوامع غیر اسلامی گفته نمی شود. آنچه برای جوانان گفته می شود، برای سالمندان گفته نمی شود.

آنچه برای زنان گفته می شود برای مردان گفته نمی شود.

آنچه برای سرمایه داران گفته می شود برای فقراء گفته نمی شود.

آنچه برای حکام گفته می شود برای محکومین گفته نمی شود.

آنچه در قریه گفته می شود در شبکه های اجتماعی و تلویزیونها که جهانیان می شنوند گفته نمی شود.

آنچه برای مردم در عصری که روابط الکترونی نبود گفته می شد، در عصر انقلاب تکنالوجی و روابط

قابل توجه خطباء، واعظین و دعوتگران محترم

در میدیا

آیا عنوان مخاطبه دینی از یک عصر تا عصر دیگر تغییر

می کند؟

آیا خطاب دینی از یک عصر تا عصر دیگر تغییر میکند؟ آیا خطاب در عصر جهانی شدن و قبل از آن تفاوت دارد؟ آیا هر عصر عنوان مخاطبه خاص بخود دارد؟ آیا مخاطبه دینی مانند لباس مردم در زمستان و تابستان است، یا مثل لباس مردم قریه و شهر. آیا خطاب دینی مانند لباس کارگران است که از یک فابریکه تا دیگری تفاوت می داشته باشد؟ دین که خطاب از آن می گیرد، ثابت است، پس چرا خطاب دینی متنوع و متغیر نظر به اسباب تفاوت می کند؟

این سؤالات از ما می خواهد واضح سازیم که: دین در اصول و کلیات عقائدی، تعبدی و اخلاقی و شرعی، تغییر نمی کند و آنچه تغییر می کند اسلوب و روش تعلیمی و دعوت به آن است.

فقهاء و محققین و امامان دین فیصله کرده اند که: فتوا به تغییر زمان و مکان و عرف و حالت تغییر میکند، و فتوا تعلق به احکام شرع دارد، پس منطبق می گوید:

خطاب دینی /

الکترونی گفته میشود. عصر حاضر جهانی و عصر تقارب جهانی است.

موضوعات مشترک است بسیار است که میتوان همه را به آن مخاطبه کرد و اما خصوصیت های است که برای طیفه خاص گفته می شود. برای عالم و دعوتگر واجب است تا در خطاب خاص به سؤالات مردم جواب بدهد و مشکلات مردم را حل کند و شبهات را رد کند. زمانیکه نبی صلی الله علیه و سلم معاذ بن جبل انصاری را به یمن فرستاد، برایش گفت: «إنک تقدم علی قوم أهل کتاب، فلیکن اول ما تدعوهم إلیه: شهادة أن لا إله إلا الله...» تو به قوم از أهل کتاب مقابل می شوی، اولین چیزی که ایشانرا دعوت می کنی: شهادة أن لا إله إلا الله. الحافظ ابن حجر در شرح حدیث می گوید که أهل کتاب أهل علم بودند و در مخاطبه کردن شان لازم بود فرق بین بت پرستان و جهال را کرد.

لذا خطاب دینی در عصر جهانی شدن متفاوت است. عصر جدید طبیعت جهانی دارد و اما خطاب مسلمانان قبل از این عصر است یعنی خطاب اسلامی، خطاب به روش عصر جدید نیست و تابع محلی دارد، باین معنی که خود را مخاطب قرار میدهیم و فکر می کنیم که دیگران ما را نمی شنوند و کارهای علمی و دعوتی ما را مطالعه نمی کنند. بعضی طوائف و عده از دعوتگران فکر می کنند که خود را در منزل خود خطاب می کند و خیال می کند که هیچکس قول را استماع نمی کند و ممکن است خطاب او دیگران را جریحه دار سازد.

در یک کنفرانس بزرگ در یکی از کشورهایی اسلامی حضور داشتم، تقریباً 500 شخص از تمام نقاط جهان اشتراک کرده بودند، یکی از مشترکین در سخنرانی خود از سیاست کنفرانس بیرون شد و گفت: مباحثه و مناقشه بین ادیان نیست، تقارب بین ادیان وجود ندارد، فقط یک دین وجود دارد که اسلام است، خداوند می فرماید: { إن الدین عند الله الإسلام } (آل

عمران: 19). بی شک که دین پسندیده نزد خداوند اسلام است. ادیان سماوی غیر از اسلام وجود ندارد، خداوند می فرماید: { و من یبغ غیر الإسلام دیناً فلن یقبل منه } (آل عمران: 85) و هر که غیر از اسلام دینی اختیار کند پس هرگز از وی پذیرفته نشود. در جوایم رئیس کنفرانس نشستنه بود، برایش گفتم: این سخنران کلام بسیار خطرناک گفت، ممکن است مضمون و شکل کنفرانس را متأثر کند و قابل این است که بجواب او پرداخته شود، گفت: این گفتار فقط بین خود ما است و از این صالون خارج نمی شود، برایش گفتم: از دو جهت برای من قابل قبول نیست.

اول: جای آن نیست که شخص با خود حرف بزند، و ممکن نیست گفتار داخل اطاق مغلق باقی بماند، این جا روزنامه نگاران، نمایندگان رادیو ها و تلویزیون ها حضور دارند و هر آنچه گفته شود برای جهانیان انتقال میدهند.

دوم: آنچه می گوید در اصل صحیح نیست، ادیان بغیر از اسلام وجود دارند، خداوند متعالی می فرماید: { لکم دینکم و لی دین } (الکافرون: 6). برای شما دین تان و برای ما دین ما.

آیه که به آن استدلال میکنند قابل رد است: { و من یبغ غیر الإسلام دیناً }، خداوند می فرماید: { یا أهل الکتب لا تغلوا فی دینکم } (المائده: 77). یا أهل کتاب در مورد دین خود غلو نکنید.

از جانب دیگر به امر دین، ما مامور به مناقشه و مباحثه هستیم، خداوند متعالی می فرماید: { و

جدلهم بالتی هی أحسن } (النحل: 125). با ایشان

مجادله به صورت بسیار پسندیده و خوب مجادله کنید.

خطاب دینی ما امروز شنیده و خوانده می شود، آیا خطاب ما ملائم با عصر ما است یا نه؟ و آیا به آن دعوت بسوی الله با بصیرت تحقق می یابد؟ و آیا

خطاب دینی /

کلام و خطاب ما ، بلیغ که مطابقت به حال و فصاحت باشد است ؟

جای اختلاف نیست که خطاب دینی از یک مدرسه تا مدرسه ای دیگر اختلاف دارد و دعوت کننده از مدرسه که است از آن نمایندگی می کند.

خطاب صوفی غیر خطاب اثری (أهل حدیث) ، و خطاب ایشان غیر خطاب متکلم (دانشمند علم کلام) و خطاب متکلم غیر خطاب فقیه است.

خطاب فقیه پابند به مذاهب غیر خطاب فقیه آزاد از تقلید است .

خطاب دعوت گر دشمن تصوف غیر از خطابی است که در آن صفا باشد .

خطاب دعوتگر که در دایره ثقافت گذشته باقی مانده ، غیر از خطاب دعوتگر که در عصر فرهنگ و ثقافت معاصر زندگی دارد .

خطاب دعوتگری که از وطن خود بیرون سفر نکرده ، غیر از خطاب دعوتگری است که جهان را دیده باشد و عرف مردم و ادیان و مذاهب و فرهنگ های متفاوت را ملاحظه کرده باشد.

همه این امور از اسباب تنوع خطاب دینی میباشد ، در اصل همه اتفاق دارند و همه از محکمت قرآن کریم و سنت صحیح که سلف صالح به آن اتفاق داشتند میگیرند ، امت اسلامی در ضلالت و گمراهی جمع نمیشوند .

منهج و روش مناسب و خوب این است که برای خطاب دینی و دعوت اسلامی بین روحانیت متصوف و تمسک و پابندی محدث ، عقلانیت متکلم ، علمیت فقیه جمع کرد و از هر صنف خیر آنرا گرفت و بین همه انسجام و روابط را بوجود آورد.

قرآن کریم دلیل تغییر خطاب دینی است

قویترین دلیل برای تغییر خطاب قرآن کریم است ، ملاحظه می نمائیم که خطاب قرآن مکی « قبل از هجرت به مدینه » ، غیر خطاب قرآن مدنی است ، هر شخص که

قرآن کریم را می خواند ، و سوره های مکی و مدنی را میداند ، ملاحظه می کند که موضوعات قرآن مدنی از موضوعات قرآن مکی جملتاً اختلاف دارد ، و اسلوب قرآن مدنی از اسلوب قرآن مکی تفاوت دارد. موضوعات قرآن مکی اساساً در مورد تثبیت عقیده توحید با اقسام مختلف آن ، اثبات نبوت ، و جزاء در آخرت و ایمان به غیب ، و دعوت به عمل صالح و مکارم اخلاق بود و برای تثبیت آن قصص رسل و مؤمنین و جواب مخالفین را شامل بود .

و موضوعات قرآن مدنی در مورد اقامت جامعه مؤمن ، تشریحات برای برای نظام جامعه بود لذا در مکه نازل نشد : { یأیها الذین آمنو } به آنچه جامعه به آن از عبادات و معاملات و تشریحات و عقوبات و احتیاجات ضرورت داشته همه در سوره های مدنی آمد .

همچنان روش و اسلوب قرآن مکی غیر اسلوب و روش قرآن مدنی است ، اسلوب و روش مکی در آن بیشتر شدت و حرارت و تکرار بعض لوازمات و ضرورت های دیگر مثل که در سورة الشعراء و سورة القمر و سورة الرحمن ، و سورة المرسلات آمده است ملاحظه می شود ، که در مجموع شعور انسان را به هیجان می آورد ، بخلاف اسلوب مدنی که اسلوب تعلیمی تشریحی آرام ، و اولاً عقول را مخاطب می کند زیرا موضوع آن تشریح و تعلیم است.

روش و اسلوب مکی غالباً در آن تشدد و حرارت و تکرار بعض لوازم است ، مثلاً در سورة الشعراء و سورة القمر ، و سورة الرحمن ، و سورة المرسلات ، این سوره ها قلوب را مخاطب ساخته و شعور را به حرکت می آورد ، بخلاف اسلوب مدنی که روش تعلیمی تشریحی هادی و نفس را مخاطب می کند اولاً عقول را و همچنان قلوب را ، بخاطریکه موضوع آن تشریح و تعلیم است.

اسرار تغییر خطاب قرآن کریم از مدینه و مکه : سوره های قرآن مکی و مدنی مراعات مخاطب را دارد و

خطاب دینی /

شود و بعداً توبه صادقانه کرد و خداوند وعده داده که توبه را قبول می‌کند .
اسلام بشدت مردم را متوجه مال ملت نموده زیرا مال عام است و تمام افراد ملت در آن حق دارند ، اگر از مال عام سرقت شود ، معنی آن این است که بالای همه ملت ظلم شده و در روز قیامت همه ملت دشمن این گروه از سارقین میباشند .

اثر طب معاصر بالای تفکیر فقهی

در مصادر کلاسیک اسلامی مقارنه بین طب و فقه ، یا بین طبیب و فقیه زیاد است تا درجه که گفته می شد « انبیاء أطباء قلوب و ادیان ، و شارع طبیب اعظم است . وجه مقارنه در اینجا این است که طبیب در مصالح ابدان کار میکند و صحت انسان را از مریضی حفظ میکند ، و فقیه مصالح دینی انسان را ، لذا بین این دو یعنی طب و فقه یا دو ساحه تداخل موجود است و بدن انسان آله عبادت و تکالیف است و بین نفس و جسد جدائی نیست .

شیخ جامع الازهر می گوید

جواز است زن و وظائف عالی و قضاء و افتاء ، و سفر بدون محرم اگر امنیت باشد داشته باشد ، طلاق بدون سبب حرام و جریمه اخلاقی است ، ولی دختر حق ندارد او را از ازدواج با کف بدون سبب قابل قبول مانع شود . زن حق دارد نصیب خود را از سرمایه شوهر اگر سهم در آن داشته باشد و یا در پیشرفت آن حصه داشته باشد تعیین کند .

در مورد حق شرعی زن در میراث الطیب می گوید: زن در بسیاری اوقات در ذخیره سرمایه سهم میداشته باشد ، اگر شوهر وفات میکند ، ورثه ترکه را تقسیم می کنند بدون اینکه حق زن را که در سرمایه شریک بود مد نظر داشته باشند .

حرف میزند به آنچه مناسب است ، قرآن مکی اولاً مشرکین و مخالفین عقیده توحید و منکرین نبوت محمد و دشمنان او را مخاطب قرار میدهد ، لذا خطاب به لغت شدت و با حرارت است ، اما قرآن مدنی جماعت مؤمنین جدید را مخاطب می کند و ایشانرا مکلف به اوامر و نواهی و تشریحات می سازد لذا خطاب لغت آرام و تعلیم را دارد .

کسیکه سوره مدنی مثل سوره البقره و مکی مثل سوره الشعراء را بخواند برایش فرق بین دو خطاب در مضمون و اسلوب واضح می شود .

اقتباس و ترجمه از سایت علامه القرضاوی /

زیبائی صورت « جراحی پلاستیکی »

آیا جراحی برای زیبائی صورت جواز دارد؟

الناבלسی جواب میدهد

اگر عیب حقیقی و واضح در صورت انسان باشد و متخصص طبی علاج آنرا بکند در تجمیل و علاج آن حرج نیست.

برگشتاندن مال دولت که بدون حق گرفته شده

در این روزها مردم در مورد کسانی که از افغانستان فرار کرده اند و با خود میلیون ها دالر را به سرقت بردند حرف میزنند . یک عده از این اشخاص ممکن است در مورد شریعت اسلامی در این مورد معلومات نداشته باشند و یکعه ممکن است از عمل خود پشیمان شده باشند و حکم شریعت را بخواهند .

امید است که ضمیر و وجدان یک تعداد زنده شده باشد و بخواهند توبه کنند ، برای این گروه باید گفت که توبه در هر وقت ممکن است و دروازه توبه همیشه باز است . اما قبل از توبه باید سرمایه های ملت به ملت گردانیده

شخص مریض و کهنسال در ماه رمضان

در فقه اسلامی مریض از خود در عبادات و معاملات احکام خاص را دارد و دین اسلام دین رحمت بوده شرایط زمان و مکان و حالت شخص را در مسائل عبادات مد نظر گرفته است. در فقه حنفی، فقهای حنفی احکام مریض را بصورت مفصل شرح داده اند و مهمترین کتاب در احکام اشخاص مریض کتاب (احکام المرضى) تألیف علامه شیخ أحمد بن إبراهیم بن خلیل معروف به ابن تاج الدین الحنفی - 1007 - 1060 هجری است که برادر محترم دکتور محمد سرور محمد مراد بلخی این کتاب را تحقیق نموده و دکتور أحمد الحجی الکردی متخصص در موسوعه فقهی آنرا مراجعه کرده و وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت این کتاب را به چاپ رسانده. در این رساله فصل رمضان و شخص مریض را بطور خلاصه ترجمه می کنیم و در نهایت فتواهای مجتهدین معاصر را می آوریم.

کتاب الصوم (کتاب روزه)

اگر شخصی ترس داشت که روزه درد چشم اش را زیاد می سازد و یا روزه تب ویرا زیاد میکند، پس افطار کند (یعنی روزه نگیرد) زیرا روزه ویرا به هلاکت نزدیک می سازد و می گویند که مریضی که می تواند روزه نگیرد آن شخص است که قادر نباشد که ایستاده نماز ادا کند * دیده شود: فصول للعمادی: ورقه 338 مخطوط در دار الکتب المصریه.

معرفت زیاد شدن مرض: انسان خودش می تواند درک کند که آیا روزه مرض اش را زیاد میکند یا نه؟ و یا به گفته داکتر معالج عمل کند.

اگر مریضی خوب شد و لیکن ضعیف باقی ماند و ترس در آن باشد که دوباره مریض می شود اگر روزه بگیرد و افطار نکند و داکتر برایش این را بگوید که روزه حالت ضعیفی اش را زیاد می سازد و خطر بر نفس وی است می تواند روزه نگیرد * دیده شود: خلاصه الفتاوی: لطاهر بن عبدالرشید البخاری جزء 1 / 265 طبع پاکستان.

شرعا از حق زن است تا حصه خود را از ثروت شوهر در زندگی او و یا بعد از وفات او بگیرد به دلیل اینکه در جمع سرمایه و نمو آن نقش داشته است، این حصه و یا نصیب در تقسیم میراث ارتباط به وفات شوهر ندارد، زن میتواند در حیات شوهر و بعد از وفات او نصیب خود را بگیرد... و در حقیقت دین (قرض) بالای شوهر است.

در مورد میراث فقهی (آنچه از فقه به میراث مانده است) و دعوت به تقدیس آن الطیب می گوید: دعوت به تقدیس میراث فقهی و مساوی دانستن آن با شریعت سبب جمود فقه اسلامی معاصر می شود، در نتیجه تمسک بعضی برای تقید یا مقید بودن به حرفی، آنچه در فتاواها و احکام فقهی قدیم آمده. فتاواها و احکام فقهی قدیم نمایندگی از تجدید سیر قضایای همان عصر بود.

خطر ناکترین مانع برای تجدید عبارت است از: فتاواهای گذشته که در عصر حاضر نفع برای مسلمانان ندارد، و نشر فتاواهای که عادتاً از طرف اشخاص جاهل به اسلام و علوم آن و فرهنگ آن است.

الخطیب ادامه داده می نویسد: تجدید بطور دائم عبارت از ادامه و بقاء اسلام بحیث دین زنده و متحرک است که عدالت و مساوات را در بین مردم نشر می کند.

مورد سفر بدون محرم، را عده خلاف حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و سلم که فرمودند: « لا یحل لامرأة أن تسافر مسیره یوم و لیلة بغير حرمه ». برای زن حلال نیست که مسافه یک روز و یک شب را بدون محرم سفر کند، می دانند. اما دکتور الطیب می گوید که نظام سفر در عصر حاضر تغییر کرده و طریق با امن است، لذا اجتهاد شرعی در این مورد لازمی است. قبول اجازه سفر بشرط همراهم با امن، به قیاس از مذهب مالکی نسبت به سفر زن برای حج، از زمان بسیار گذشته بود.

در همین کتاب آمده که: اگر مریض روزه بگیرد و مشقت را تحمل کند، روزه اش صحیح است مگر کراهیت دارد زیرا خداوند برایش اجازه نگرفتن روزه را داده است و خودش برای خود ضرر می‌رساند.

استعمال خوشبوئی در روز رمضان :

دکتر یوسف القرضاوی در این مورد می‌نویسد که: استعمال خوشبوئی در روز رمضان جواز دارد و هیچ‌یک از علما نگفته‌اند که استعمال خوشبوئی در رمضان سبب فاسد شدن روزه می‌شود، خداوند بهتر می‌داند.

استعمال مسواک و کریم دندان

در استعمال کریم دندان و مسواک در روز رمضان در حکم آن دکتر یوسف القرضاوی این جواب را می‌دهد

مسواک قبل از زوال مستحب است چنانکه همیشه مستحب است لیکن در استعمال آن بعد از زوال فقهاء با هم اختلاف نظر دارند بعضی استعمال آنرا بعد از زوال مکروه میدانند. بعضی از صحابه روایت کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و سلم را دیدیم که مسواک می‌کردند و روزه داشتند، مسواک در روزه

مستحب است در تمام اوقات در اول روز و آخر آن مثلیکه مستحب است قبل از روزه و بعد از روزه و سنت است در همه اوقات.

اما در استعمال کریم دندان باید دقت شود که مقدار از آن به شکم داخل نشود و اگر داخل شد نزد اکثر علما روزه را باطل می‌سازد و بهتر است که بعد از افطار استعمال شود لیکن اگر استعمال شد باید محتاط بود که داخل شکم نشود و اگر کسی عذر داشت و کریم دندان را استفاده کرد و یک مقدار آن داخل شکم شد البته بعد از احتیاط در آن عفو است

اگر کسی را حشرات نیش زد (مثل گزدم) و مجبور شد که دواء بنوشد، می‌گویند که اگر نوشیدن دواء برایش فائده داشت آنرا بخورد. * دیده شود: عمدہ الرعاية للکنوی ص: 17.

اگر بالای شخصی روزه قضائی باشد تا وقتیکه به سن شیخ فانی برسد و قضائی روزه نگرفته باشد بروی فدیة نیست. مریض و مسافر اگر در شب رمضان نیت نکرده باشند و بعد از طلوع فجر نیت کنند در نزد امام محمد و امام یوسف صحت دارد * دیده شود: فتاوی قاضیخان 1 / 202 و جامع الفصولین 2 / 169.

کسیکه در ماه رمضان تمام رمضان و یا چند روز رمضان بی هوش شود بلایش قضائی است * دیده شود: جامع الفصولین 2 / 168.

اگر کسی نذر کرده باشد که در ماه رجب روزه می‌گیرد، اگر قبل از آن - ماه رجب - مریض شود و یا به حالات جنون برسد و ماه بگذرد و بعد از آن صحت یابد و یا عاقل شود در نزد ابو حنیفه قضائی دارد و اگر نان بخورد و در همان روز صحت یابد باقی روز را نخورد * دیده شود فصول الاحکام، للعمادی ورقة 339 و جامع الفصولین 2 / 168، 160.

زنیکه خواب باشد و یا بمرض جنون گرفتار شود و شوهرش با وی جماع کند بلایش قضائی روزه است و کفاره ندارد و امام زفر می‌گوید که روزه اش فاسد نمیشود * دیده شود فتاوی قاضیخان 1 / 309.

کسیکه اجازه دارد که در ماه رمضان روزه نگیرد لیکن قضائی آنرا بعدا بگیرد:

امام سید سابق در کتاب خود بنام (فقه السنه جزء اول) می‌نویسد که: برای مریض مباح است که روزه نگیرد چنانکه خداوند می‌فرماید: { و من كان منكم مریضا أو علی سفر فعده من أيام أخر * البقره: 185 کسیکه از شما مریض باشد و یا در سفر از روزهای بعدی روزه بگیرد}. در المعنی آمده که: « از سلف صالح روایت شده که هر نوع مرض حتی از درد ناخن را شامل است زیرا آیه شریفه به معنی عام آمده است. و بغیر از مرض کسیکه تشنه گی شدید برایش پیش شود که ترس از حیات باشد لازم است که افطار کند اگر چه مقیم باشد و بعدا قضائی بگیرد. ».

وقت دادن زکات فطر روزه: امام ابو حنیفه و اصحاب وی می گویند که وقت دادن فطر روزه به طلوع فجر روز عید واجب می گردد. در نزد ابو حنیفه اجازه است حتی قبل از عید زکات فطر روزه داده شود.

برای کسیکه زکات فطر روزه داده نمیشود: برای کافر که ضد اسلام است و مرتد و فاسق که به فسق خود بر ضد مسلمین عمل میکند و شخص غنی و اهل کسبه، شخص تنبل که کار نمیکند برای پدر و مادر و اولاد زکات فطر روزه داده نمیشود.

برای مزید معلومات در موضوع زکات فطر روزه لطفاً به { فقه زکات، القرضای، ترجمه: فضل غنی مجددی که از طرف فقه اسلامی بنشر رسیده مراجعه شود }.

مسافر و رمضان

احکام عبادات در سفر نسبت به مقیم بودن تفاوت دارد که این تفاوت شامل روزه رمضان نیز می شود و بر مسلمان واجب است تا احکام اسلامی را در همه موارد آن بداند و اگر نمی داند از علما پرسیده و یا در کتب فقه اسلامی مراجعت کنند.

ابو سعید الخدری رضی الله عنه روایت میکند که در سفر با رسول الله صلی الله علیه وسلم بودیم بعضی روزه داشتیم و بعضی نداشتیم. در حدیث دیگر الخدری می گوید که با رسول الله صلی الله علیه وسلم در غذا بودیم بعضی از ما روزه داشت و بعضی نداشت و کسی از ما که قوت گرفتن روزه را داشت روزه گرفت و کسی که ضعیف بود نگرفت.

از روایت الخدری استنباط می شود که گرفتن روزه در ماه رمضان مربوط به خود شخص است که می گیرد یا نمی گیرد.

علما در موضوع سفر و رمضان تحقیق نموده و در روشنی قرآن و حدیث و اقوال صحابه به این نظریات رسیده اند که سید السابِق در کتاب خود فقه السنه همه نظریات را به تفصیل آورده است که در این جا بعضی آنرا نقل می کنیم: امام ابو حنیفه و امام شافعی و امام مالک می گویند: کسیکه قوت گرفتن روزه را در سفر دارد، روزه برایش

و در سوره الاحزاب آیه 5 خداوند وعده داده که انسان را در خطاً و سهو محاسبه نمی کند و رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید که در فراموشی و خطای امت من محاسبه نمی شود.

وقت دادن زکات فطر روزه: امام ابو حنیفه و اصحاب وی می گویند که وقت دادن فطر روزه به طلوع فجر روز عید واجب می گردد. در نزد ابو حنیفه اجازه است حتی قبل از عید زکات فطر روزه داده شود.

برای کسیکه زکات فطر روزه داده نمیشود: برای کافر که ضد اسلام است و مرتد و فاسق که به فسق خود بر ضد مسلمین عمل میکند و شخص غنی و اهل کسبه، شخص تنبل که کار نمیکند برای پدر و مادر و اولاد زکات فطر روزه داده نمیشود.

برای مزید معلومات در موضوع زکات فطر روزه لطفاً به { فقه زکات، القرضای، ترجمه: فضل غنی مجددی که از طرف فقه اسلامی بنشر رسیده مراجعه شود }.

صدقه فطر روزه به کدام اشخاص واجب است:

در حدیث شریف که امام بخاری و مسلم از ابن عمر روایت نموده اند آمده که: « رسول الله صلی الله علیه وسلم فرض نموده زکات فطر روزه را بالای انسان مسلمان- زن و مرد آزاد و غلام - و در مذهب حنفی فطر روزه بالای صغیر و کبیر واجب است.

شرط داشتن نصاب: خلاف تمام مذاهب امام ابو حنیفه و اصحاب وی داشتن نصاب (آن مقدار از سرمایه که به داشتن آن بعد از ضروریات زندگانی زکات فرض می شود) * برای معلومات بیشتر به رساله زکات، تألیف شیخ القرضای، ترجمه: فضل غنی مجددی مراجعه شود) را در دادن فطر روزه شرط میدانند.

مقدار زکات فطر روزه را فقه حنفی نصف صاع از گندم که مساوی یک بر ششم کیلو گرم است تعیین کرده است و در همین مذهب خصوصاً در نزد امام ابو حنیفه و امام یوسف مجاز است که فطر روزه را به پول نقد پرداخت.

برای عمل جنسی مثل عدم حضور وی در منزل می باشد و زن در این صورت می تواند بدون اجازه شوهرش روزه بگیرد * فقه السنه : 379 . (برای معلومات بیشتر در مسائل جنسی بین زن و شوهر به کتاب بنده بنام خانواده در اسلام مراجعت شود) .

سؤال : من دختر 18 ساله هستم و اول از جای که مایع حیض می آید یک ماده سفید رنگ خارج شده نمی دانم که نماز و روزه ام صحیح است یا نه ؟

جواب : این ماده عبارت از افرازات طبیعی برای دختر و زن است و آنچه سبب حرمت نماز و روزه میشود عبارت از خون است ، خون حیض معروف و رنگ آن سرخ می باشد . اگر خون نباشد و بعضی افرازات باشد مثلیکه سؤال کننده شرح میدهد از آن ترس نداشته باشید و شما خواهر مسلمان نماز بخوانید و روزه بگیرید و عبادت خداوند را بجا بیاورید و خداوند قبول میکند .

حکم گرفتن دوائی منع مریضی زنانه (تأخیر حیض) در ماه رمضان

زنان در هر ماه چند روز مریض می شوند که بنام حیض یاد می شود و مدت مریضی زنانه از یک زن تا زن دیگر متفاوت می باشد و در این اواخر دارویی ساخته شده که مریضی زنانه را به تأخیر می اندازد و زنان مسلمان از دکتور القرضای در این مورد سؤال نموده اند :

Fazl Ghni Mogaddedi
 201 Washington Blvd # 104
 Fremont , ca 94539
 U.S.A
 Tel (510) 979-9489
 WhatsApp (510)673-5264
fazlghanimogaddedi@yahoo.com
 Islaminfo.one
 aamo-usa.com

بهتر است و کسیکه ندارد نگرفتن روزه برایش بهتر است . در کتاب الموطأ از امام مالک از امام محمد امام مذهب حنفی روایت شده که مسافر در ایام سفر اگر می خواهد روزه بگیرد و اگر نمی خواهد بگیرد . (این قسمت را استاد غوریانی ترجمه نموده اند) .

امام و فقیه بزرگ خلیفه عمر بن عبدالعزیز همه نظریات را یکجا ساخته به این نتیجه رسیده که : هر کدام آن (روزه داشتن و نه داشتن) آسان باشد آن صحیح است ، کسیکه روزه برایش آسان است روزه بگیرد و کسیکه روزه برایش مشقت است روزه نگیرد .

امام سابق می گوید که اگر شخصی (مسافر) در شب نیت روزه کرد در روز می تواند که افطار کند یعنی روزه اش را بشکند . و اگر نیت روزه را کرد در جایی که مقیم بود و بعد از آن در روز سفر کرد جمهور علما می گویند که اجازه افطار را در روز ندارد و امام سابق احادیثی را در مورد آورده است و در اخیر تحقیق الشوکانی را به این معنی می آورد :

الشوکانی گفت : هر دو حدیث دلالت بر آن میکنند که مسافر قبل از خارج شدن از مکان خود که از آنجا می خواهد سفر کند اجازه دارد افطار کند یعنی نان بخورد . سفری که در آن اجازه نگرفتن روزه است ، همان سفری است که در نتیجه آن انسان نماز را قصر میکند .

حیض و نفاس :

در کتاب فقه السنه آمده که : حیض و نفاس اگر در اخیر روز قبل از غروب آفتاب باشد روزه را باطل می سازد و در این حکم علما با هم متفق النظر اند .

منع شدن روزه برای زن اگر شوهرش در منزل حاضر باشد : ابوهریره می گوید : رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت : « لا تصم المرأة یوما واحدا ، و زوجها شاهد إلا بإذنه ، إلا رمضان » * روایت نموده بخاری و مسلم و احمد * زن یک روز را روزه نگیرد اگر شوهرش در خانه حاضر باشد مگر به اجازه اش بغیر از رمضان . امام سید سابق بعد از آوردن این حکم می نویسد که : اگر شوهر در خانه نباشد یعنی در سفر و یا کار باشد زن حق دارد که بدون اجازه اش روزه بگیرد و زمانی که شوهر به خانه میرسد می تواند روزه خانم خود را باطل سازد - یعنی عمل جنسی را انجام دهد - . مریضی شوهر و عدم قدرت وی